

موسیقی: بخش جدایی ناپذیر انسانیت و ایرانیت (بخش دوم)

چنان فاش گردید غم و رنج و شور
که شادی به هنگام بهرام گور
فردوسی در توصیف رنج مردم
در حکومت اسلامی اعراب

موسیقی در دوران دودمان‌های باستان

در عهد باستان، موسیقی ابتدا وسیله ارتباط بود. و اولین آلات موسیقی، طبل‌های بزرگ بود، که برای اعلام خبر به کار می‌رفته است. بعدها موسیقی بخشی از آئین و باورهای مردمی شد و در مراسم مذهبی، مراسم کار و جشن‌ها و سوگ‌ها به کار می‌رفت.

در قدیمی‌ترین دوره تاریخی یعنی سه هزار سال ق.م. سرزمین کلدی شامل دو ناحیه سومر و اکّر بوده است. اسباب و آلات موسیقی که در حفاری‌های کلدی و شهر اور کشف شده تا حدودی ریشه و سابقه موسیقی آسیای بویژه آسیای غربی را روشن کرده است. از نقش و نگاره‌های به دست آمده می‌توان دریافت که موسیقی سومری شامل نیایش نسبت به خدایان و فرشتگان محافظ آنان و شکوائیه و مرثیه بوده است.

سومری‌ها جشن و شادی برپا می‌کرده‌اند و برای خدایان خود سرودهایی داشته‌اند. تمدن سومری‌ها و بعد جانشینان آنها -بابلی‌ها- در تمدن‌های سایر ملل دور و نزدیک و نیز در موسیقی آنها رخنه کرده است.

بابل وارث تمدن سومر و اکّد بود و مردمان آن نژاد سامی داشتند. پادشاه معروف بابل جدید، بخت‌النصر بود. بابل در زمان حمورابی به اوج وسعت و ترقی خود رسید و صنایع و هنر مورد توجه واقع شد و تجمل‌پرستی و سرور و عیش، عمومیت یافت. یکی از مورخین مشهور یونانی، از جشنی نام می‌برد که یکی از اشراف بابل برپا ساخته بود و در آن ۱۵۰ زن خواننده و نوازنده شرکت داشته‌اند؛ و نی و چنگ و قانون می‌نواخته‌اند. در این دوره موسیقی رونق یافت. کلدانیان موسیقی مذهبی و درباری داشتند. آلات و اسباب موسیقی این دوره، 'بادی'، 'زهی'، 'ضربی' بوده است؛ مانند: نی، فلوت، شیپور، عود و طبل و مانند اینها. رقص نیز میان آنها متداول بوده است.

در این میان دولت آشور نیز به سبب همجواری با بابل بر تمدن این سرزمین تأثیر داشته و از آن متأثر گشته است. طبق اسناد و مدارک به دست آمده این اقوام نژاد آریایی داشته‌اند. در حال حاضر آلات موسیقی آن عهد بازسازی شده و بسیاری از نغمه‌های قدیمی با کمک الواح کهن، آواهای شعری، ریتم‌های اوراد و سرودهای مذهبی و سایر عوامل به جای مانده، بازسازی شده و حتی اجراء و ضبط شده‌اند.

در اوستا -کتاب مذهبی زرتشتیان- که از کهن‌ترین آثار ادبی و مذهبی ایرانیان است. قدیمی‌ترین بخش 'گات' ها است که شامل سرودها و مناجات زرتشتیان است، که به آهنگ و آواز برای نیایش خوانده می‌شده و کهن‌ترین میراث مدون ما در شعر و موسیقی است.

بخشی از اطلاعات ما در باره موسیقی قدیم در ایران طبق نوشته مورخین یونانی و مورخین ایرانی دوره اسلامی و شاهنامه فردوسی و اشعار سایر شعرا و آلات و ادوات موسیقی به دست آمده از کشفیات باستان‌شناسی می‌باشد.

موسیقی در دوران ایلامیان (۳۲۰۰ - ۱۱۰۰ پیش.م.)

آگاهی ما از تاریخ ایلام، عمدتاً حاصل بازسازی قطعات ناقص از منابع میان‌رودان (سومری، اکدی، آشوری و بابلی) است. تاریخ ایلام معمولاً به سه دوره با گستره بیش از دو هزار سال تقسیم می‌شود.

نیا-ایلامی: حدود ۳۲۰۰ پ. م تا ۲۷۰۰ پ. م

ایلام باستان: حدود ۲۷۰۰ پ. م تا ۱۶۰۰ پ. م

ایلامی میانه: حدود ۱۵۰۰ پ. م تا ۱۱۰۰ پ. م

ایلام نو: حدود ۱۱۰۰ پ. م تا ۵۳۹ پ. م (۵۳۹ قبل از میلاد آغاز دوره هخامنشی)

با استفاده از شواهد کاویده شده، مانند تندیس کشف شده در ساسا، سوابق موسیقی در فلات ایران بخوبی به دوران امپراتوری ایلامی برمی‌گردد. بطور اطلاعات کمی در خصوص موسیقی این دوره در دسترس است. تنها ابزار باقی مانده از موسیقی این دوران گیتارها، عودها و فلوت‌هایی که ابداع و نواخته شده، می‌باشند. گفته می‌شود ابزار موسیقی مانند بریط ریشه در این دوران یعنی حدود سال ۸۰۰ قبل از میلاد داشته‌است. "مهر چغامیش" در تپه چغامیش در نزدیکی دزفول کشف شده است. کهن‌ترین هم نوازی جهان که نمایانگر وجود ارکستر

بانوان در آن منطقه است. نقش برجسته دیگری به نام "کول فرح" (کول فرعون) که سه موسیقی دان در مراسم مذهبی تقدیم قربانی به خدایان نشان می‌دهد که یکی دف و دو نفر دیگر چنگی با نام "ون" می‌نوازند.

موسیقی در دوران منائیان (۸۵۰-۶۱۶ پیش.م.)

منائیان قومی بودند که حکومتی را در جلگه جنوبی دریاچه ارومیه تشکیل داده و از قرن هشتم قبل از میلاد تا قرن ششم قبل از میلاد بر این سرزمین حکومت می‌کرده‌اند. این دولت از فرصت مبارزه میان دول آشور و اورارتو استفاده کرد و بر قدرت خود افزود. پادشاهی مناها که در آن مقطع زمانی منا متحد آشور بود، بدست ماد (در حدود ۶۱۶ پ. م.) قبل از حمله ماد به آشور (۶۱۴ پ. م.) از میان رفت.

موسیقی در دوران مادها (۷۰۱-۵۵۰ پیش.م.)

آریایی‌های ایران شاخه‌ای از نژاد هند و اروپایی‌اند که در حدود سه هزار سال پیش از میلاد به آسیای میانه کوچیدند و در ماوراءالنهر ساکن شدند. مادها قومی ایرانی بودند از تبار آریایی که در بخش غربی فلات ایران ساکن شدند. سرزمین آذربایجان در شمال غربی فلات ایران را با نام ماد کوچک و بقیه ناحیه زاگرس را با نام ماد بزرگ می‌شناختند. پایتخت ماد هگمتانه بود. نخستین دولت بزرگی که نژاد آریایی تشکیل داد، دولت ماد بود که در اواخر سده هفتم پیش از میلاد بدست، دیاکو (هوخستره) بنیان‌گذاشته شد و صدوپنجاه سال دوام یافت و سرانجام در ۵۵۰ پیش.م. به دست کوروش بزرگ سرنگون شد.

از موسیقی قدیم آریایی‌ها پیش از عصر هخامنشی بدلیل نبودن مدارک و نبود کتابت اطلاعاتی در دست نیست. کهن‌ترین اثر ادبی نژاد آریاها وداها یا کتب مقدس هندی‌ها که شامل چهار بخش است که یکی از این چهار بخش 'ریگ ودا' نام دارد. ریگ در زبان سانسکریت به معنای سرود است و ودا به معنی دانش. این بخش شامل نغمه‌ها و سرودهای مذهبی و میراث باستانی قوم هند و ایرانی است. این قطعات وجود موسیقی را در زمان طوایف آریایی تأیید می‌کند. ریگ ودا از یادگارهای کهن آریایی‌ها در دورانی است که هنوز جدایی میان آریایی‌های ایرانی و آریایی‌های هندی رخ نداده است.

داده‌ها در مورد موسیقی در دوران مادها اندک است. هرودوت تاریخدان یونانی از نیایش‌های آوازگونه مغها بدون همراهی ساز سخن می‌گوید. مهم‌ترین موسیقی آن دوران نغمات موسیقایی گات بوده‌است. اوگارس موسیقیدان دوران آستیاگ آخرین پادشاه ماد و دربار هخامنشی بود.

موسیقی در دوران سکاها (۶۵۲-۶۲۵ پیش.م.)

سکاها دسته‌ای از مردمان کوچ‌نشین ایرانی تبار بودند، که قدمتشان به پیش از هخامنشیان برمی‌گردد. آنها در از درون آسیای میانه یعنی از ترکستان چین تا دریای آرال و خود ایران و از این نواحی با فاصله‌هایی تا رود دُن و از این رود تا رود عظیم دانوب منتشر بودند.

موسیقی در دوران هخامنشیان (۶۴۰-۳۳۸ پیش.م.)

هخامنشیان نخست پادشاهان بومی پارس و سپس انشان بودند ولی با شکستی که کوروش بزرگ بر ایشتوویگو واپسین پادشاه ماد وارد ساخت و سپس فتح لیدیه و بابل پادشاهی هخامنشیان تبدیل به شاهنشاهی بزرگی شد. از این رو کوروش بزرگ را بنیادگذار شاهنشاهی هخامنشی می‌دانند. در سراسر تاریخ ایران باستان همواره سه نوع موسیقی رزمی، بزمی و مذهبی وجود داشته است. هخامنشیان در جنگها موسیقی رزمی می‌نواختند. با نواختن طبل‌های این دوره جنگجویان را با انگیزه به میدان‌های نبرد راهی می‌کردند. از سازهای دیگر آنها کرنای فلزی بلند می‌توان نام برد که نمایانگر عظمت و گسترش موسیقی رزمی در این دوران بوده است. موسیقی هنگام آسایش این دوران، ترکیبی از آوازخوانی، سرود و نیایش بود. شعر و موسیقی در نیایش به فراوانی بکار گرفته می‌شد. از سازهایی که در مراسم مذهبی زرتشتی این دوران نواخته می‌شد می‌توان به سازهای شبیه به "سنج" (ساز کوبه‌ای) اشاره کرد. موسیقی بزمی در این دوره نیز گسترده بود. تنبورها و نی‌ها ابزار بیان احساسات مردم در عیدها، جشن‌ها و پیروزی‌ها بود. هرودوت (Herodotus)، تاریخنگار یونانی، می‌نویسد که در دوران امپراتوری هخامنشی یا «امپراطوری پارسی»، موسیقی نقش مهمی داشته‌است و وجود موسیقی برای مراسم مذهبی بسیار ضروری بوده‌است؛ ایرانیان برای پیشکش کردن نذر و قربانی به خدا و مقدسات خود قربانگاه ندارند، آتش مقدس نمی‌افروزند و بر گورها شراب نمی‌پاشند، بلکه موبدی حاضر می‌شود و یکی از سرودهای مقدس مذهبی را می‌خواند.

هردوت همچنین، از «نی» به عنوان سازی که ایرانیان هنگام فراغت، بزم و شادی می نوازند، بارها یاد می کند.



نی هفت بند و شش گره
تاریخنگاران نقاره را قدیمی‌ترین ساز ایرانی و نقاره‌کوبی (نوبت‌نوازی) قدیمی‌ترین موسیقی ایرانی می دانند. از آنجائی که نقاره در برآمدن و فرورفتن خورشید نواخته می شود، نوبت‌نوازی با نقاره را با آئین مهرپرستی، بی ارتباط نمی دانند. نواختن موسیقی در برآمدن و فرو رفتن خورشید در دوران هخامنشی معمول بوده است. هردوت می نویسد: «ایرانیان برآمدن و فرو رفتن خورشید را با نواختن افزارهای موسیقی آگاهی می دادند».



نقاره

گزنوفون (Xenophon)، تاریخنگار یونانی، روایت می کند که در دوران کوروش سرودهای رزمی وجود داشت و فرماندهان برای برانگیختن احساسات سپاهیان از شیپور و سرودهای رزمی بهره می بردند. نوشته ها و تاریخهای کهن، آورده اند که لشکریان ایران سرودهای رزمی خوانده و با گامهای یکسان و شمرده ره می سپردند. این هماهنگی گامهای سپاهیان، بدون یک موسیقی امکان پذیر نیست. گزنوفون در کتاب «پرویش کوروش» می گوید:
«کوروش هنگام تاخت به لشکر آشور، بنابر عادت خود، سرودی آغاز کرد که سپاهیان با آوازی بلند و با پاس و احترام بسیار، دنبال آنرا خواندند و چون سرود پایان رسید، آزاد مردان با گامهای مساوی و با سامان تمام براه افتادند.»

درباره نواختن شیپور در سپاه نیز اشاره پی بگونه زیر در همین کتاب آمده است:
«... کوروش دستور داد همه بار و بنه خود را گرد آورند و سپس همین که شیپور آماده باش را شنیدند در جاهایی که معین شده بود بایستند.»

باز در جای دیگر می نویسد: «... کوروش برای حرکت سپاه چنین دستور داد که صدای شیپور نشانه عزیمت خواهد بود و همین که صدای شیپور بلند شد باید همه سربازان آماده باشند و حرکت کنند». پس از

چند جمله دیگر می افزاید: «... در نیمه شب که آواز شیپور عزیمت و کوچ بلند شد، کوروش سردار سپاه را فرمان داد تا با همراهان خود در پیشاپیش رده های سپاهیان راه رود و سپس کوروش گفت همین که به برابر دشمن رسیدم و هنگام تاختهای دو سپاه نزدیک شد، سرود جنگی را می خوانم و شما پی درنگ به من پاسخ دهید، و هنگام تاخت چنانکه گفته بود، او سرود جنگ را آغاز کرد و سپاهیان نیز با وی هم آواز شدند.»

در کاوشهای تخت جمشید، در بالای آرامگاه اردشیر سوم پادشاه هخامنشی کرناک بلندی بدست آمده که اکنون در موزه تخت جمشید نگاهداری می شود بلندی این نای فلزی، یک متر و بیست سانتی متر و قطر دهانه اش پنجاه سانتیمتر و قطر لوله اش در جایی که باریکتر گردیده، پنج سانتیمترست و چون باریکی آن باید تا بآن اندازه باشد که در دهان نوازنده قرار گیرد، پس دارازی لوله آن بسیار بیشتر از این بوده است و همین تنها نمونه از افزارهای موسیقی رزمی هخامنشی، بودن موسیقی ارتشی را در دوره هخامنشیان ثابت کرده، نوشته های تاریخ نویسان کهن را استوار می دارد.

موسیقی دوران سلوکیان (۲۱۲-۱۲۹ پیش.م.)

پس از مرگ اسکندر (۳۲۳ ق. م) فتوحاتش بین سردارانش تقسیم شد و بیشتر متصرفات آسیائی او که ایران مهمترین بخش آن بود به سلوکوس اول رسید. به این ترتیب ایران تحت حکومت سلوکیان در آمد. پس از مدتی پارتها نفوذ خود را گسترش دادند و سلوکیان را سرنگون کردند و سلسله را اشکانیان بنیان گذاشتند.

به نظر می رسد هر چند نوازندگان یونانی به ایران آمدند ولی یونانی ها تلاشی در جهت نابودی موسیقی ایرانی نکردند. موسیقی و سازهای ایرانی در دربار اسکندر و سلوکوس و دیگر یونانیان رواج داشت. در شاهنامه فردوسی نیز در مواردی که از اسکندر صحبت می کند، از سازهائی چون نای، کوس، تبیره، کرناک و دراک نام می برد که ایرانی هستند نه یونانی.

موسیقی دوران اشکانیان (۲۴۷ پس.م.-۲۲۴ پس.م.)

اشکانیان که از تیره ایرانی پرنی و شاخه ای از طوایف وابسته به اتحادیه داهه از عشایر سکاها حدود باختر بودند، از ایالت پارت که مشتمل بر شیروان و خراسان فعلی بود برخاستند. نام سرزمین پارت در کتیبه های داریوش پرثوه آمده است که به زبان پارتی پهلوه می شود. چون پارتیان از اهل ایالت پهلوه بودند، از این جهت در نسبت به آن سرزمین ایشان را پهلوی نیز می توان خواند. ایالت پارتیها از مغرب به دامنغان و سواحل جنوب شرقی دریای خزر و از شمال به ترکستان و از مشرق به رود تجن و از جنوب به کویر نمک و سیستان محدود می شد. قبایل پارتی در آغاز با قوم داهه که در مشرق دریای خزر می زیستند در یک جا سکونت داشتند و سپس از آنان جدا شده در ناحیه خراسان مسکن گزیدند.

این امپراتوری اشکانیان بدست اشک یکم بنیان گذاری شد و در دوران شکوفائی از رود فرات تا هندوکش و از کوه های قفقاز تا خلیج فارس گسترش یافت. در دوران اشکانی جنگ های ایران و روم آغاز شد. سلسله اشکانی در اثر اختلافات داخلی و جنگ های خارجی به تدریج ضعیف شد تا سر انجام به دست اردشیر اول ساسانی منقرض گردید.

اشکانیان به گسترش موسیقی ایرانی علاقه زیادی داشتند. در این دوره موسیقی جدیدی در ایران پدید آمد. در این دوره موسیقی آزاد و مردمی شد و از بند دولت و دربار و مذهب رهائی یافت. در این دوره افرادی چون: بخشی ها در خراسان یا گوسان ها در تمامی مناطق ایران ظهور کردند.

از نوشته های پلوتارک (Plutarch)، تاریخنگار یونانی، می دانیم که در دوره اشکانیان «نقاره» همچون افزار موسیقی رزمی بکار برده می شده است.

همو در داستان جنگ میان ایرانیان بسرداری «سورنا» و رومیان بسرداری «کراسوس» می نویسد:

«... همین که رومیان نزدیک شدند، سردارشان (سردار پارتیها) فرمان داد بیکبار سراسر دشت پر از صدای «نقاره» و خروشهای بیمناک و دلخراش گردید. زیرا اشکانیان سپاه را با شیپور و مانند آن بجنگ بر نمی انگیزند و بجای آن نقاره ها دارند که در این گوشه و آن گوشه گذارده و همه را بیکباره بصدار درمی آورند که ولوله دلخراشی همچون آواز جانوارن درنده پدید می آید و در میان آوازهایی همچون غرش رعد بیرون می آورند. این نکته را آنان نیک دریافته اند که از همه حسهای آدمی، حس شنوایی بیشتر تکانش میدهد و هر آنچه از راه گوش دریافته شود، زودتر از هر چیزی چیرگی می یابد و بیشتر کارگر می افتد...».

در دوران آرامش، موسیقی اشکانیان رونق یافت آثار و تفکر موسیقایی آن دوران حتی در عصر حاضر به زندگی خود ادامه داد.

در این دوران به کسانی که خواننده و نوازنده بودند "گوسان" می گفتند، بقایای آنها در فرهنگ امروز ایران به صورت "عاشیق" های آذربایجان و یا مطرب های لرستان و "بخشی" های خراسان و باغشی های ترکمن موجود است.

نگاره ای زیبا از این دوران به چشم می خورد که گویای فرهنگ بالا و اندیشه ی خاص آن دوران دارد. مردی که گویی حیوانی خانگی را باخود همراه کرده و در کنارش دو مرد که گویی از نوازندگان آن دوران هستند مشغول به نواختن سازهایی همچون نی و لیر هستند.

در آن دوران اوزان شعری در موسیقی بکار رفته و بیشتر به صورت دوبیتی های موزون به کار برده می شد. که تا اکنون نیز جاودان مانده است. اشعار محلی کنونی، ویا همان ترانه، بقایای نمونه های اصیل و قدیمی از آن دوران است و ما می توانیم تبلور یادگارهای باستانی شعرهای پارتی آهنگین را در آنها ملاحظه کنیم. در موسیقی کردی امروزه نیز اشعاری هستند، معمولا ۱۰ هجایی که هنوز باقی مانده اند و ریشه در همین سبک موسیقی دارند.

اورمان ویا اورمن که اکنون ما شهری را در نزدیکیهای شهر سنندج به این نام می شناسیم دارای سبک موسیقی به این سبک است که گویی از دوران اشکانیان حفظ و سینه به سینه به ما رسیده است. ترانه های پهلوی معمولا از ۳ پاره ۸ هجا و گاه اندکی بیشتر تا ۱۰ هجا تشکیل می شده و به علت سادگی الفاظ و زیبایی وزن در بین عامه ی مردم رواج داشته و به تعبیری عامیانه بوده است. این است که ترانه ها یا شعرهای محلی نیز در حال حاضر از همان سادگی الفاظ و مضامین یا به طور کلی ویژگی های اصلی خود برخوردارند و به همین علت در گستره ی سده های متمادی همچنان زنده باقی مانده اند. چنانچه در شمال خراسان و از جمله قوچان، هنوز ترانه های ۸ هجایی و به عبارت دیگر خاطره ی فلهویات پارتی وجود دارد و نمونه اش ترانه ی رشید خان است که هنوز در آن دیار خوانده می شود. اخیرا معلوم شده است که در نیایشگاه های مانوی که پیرامون سال ۵۸۴ میلادی در چین ساخته شده بودند آهنگ های تک نغمه ای زیبایی با برگردان "جانِ جانِ مانی" خوانده می شده است. بسیاری از یادگارهای تصویری موسیقی مربوط به این دوره است. موسیقی در این دوره تبدیل به اصیل ترین موضوع نقاشی شده بود. تأثیرپذیری از تمدن یونان و روم را نیز نباید در این دوره از نظر دور داشت. سازهای این دوره ادامه سازهای دوره سلوکی و دوره هخامنشی است و بیشتر شامل سازهای رزمی می باشد. طبق نوشته مستشرق انگلیسی و پژوهشگر تاریخ زرتشتی، مری بویس (Mary Boyce)، در عصر پارتیان، موسیقی یکی از عوامل مؤثر در تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان بوده است.

موسیقی دوران ساسانیان (۲۲۴-۶۵۲ م.)

ساسانیان خاندان شاهنشاهی ایرانی در سالهای ۲۲۴ تا ۶۵۲ میلادی بودند. شاهنشاهان ساسانی که اصلیتشان از استان پارس بود بر بخش بزرگی از غرب قاره آسیا چیرگی یافتند. پایتخت ساسانیان شهر تیسفون در نزدیکی بغداد در عراق امروزی بود.

سلسله اشکانی به دست اردشیر اول ساسانی منقرض گردید. وی سلسله ساسانیان را بنا نهاد که تا ۶۵۲ میلادی در ایران ادامه یافت. در دوران ساسانیان مانی (۲۱۶ - ۲۷۶ میلادی) به تبلیغ مذهب خود پرداخت. مانی اصول اخلاقی خود را بر پایه فلسفی دو گانگی؛ روشنائی و تاریکی که ازلی و ابدی هستند استوار نمود. در واقع این اصول خودداری از قتل نفس حتی در مورد حیوانات، نخوردن می، دوری از زن و جمع نکردن مال واکنش در مقابل زندگی پر تجمل و پر از لذت طبقات حاکم و عکس العمل منفی در برابر بحران اجتماعی پایان حکومت اشکانی و آغاز حکومت ساسانی است.

جنبش معنوی مانی به سرعت در جهان آن روز گسترش یافت و تبدیل به نیروئی شد که با منافع شاهان و نجبا سازگار نبود. پیشویان زردتشتی و عیسوی که با هم دائما در نبرد بودند، متحد شدند و در دوران شاهی بهرام اول در جریان محاکمه او را محکوم و به همراه پیروانش زنده به گور کردند. (۲۷۶ میلادی). از آن پس مانوی کنشی آغاز شد و مغان مردم بسیاری را به نام زندک (زندیک) کشتند. مانویان در دو جانب شرق و غرب، در آسیای میانه تا سرحد چین و در غرب تا رم پراکنده شدند.

در پایان سده پنجم و آغاز قرن ششم میلادی جنبش بزرگی جامعه ایران را تکان داد که به صورت قیامی واقعی سی سال (۲۴-۴۹۴ م.) دوام آورد و تأثیر شگرفی در تکامل جامعه آن روز ایران بخشید. مزدک پسر بامدادان به تبلیغ و ترویج آئین خود پرداخت. عقاید مزدک بر دو گانگی مانوی استوار است: روشنائی دانا و تاریکی نادان، به عبارت دیگر نیکی با عقل و بدی جاهل، این دو نیرو با هم در نبردند و چون روشنائی داناست سرانجام پیروز خواهد شد. اساس تعلیمات اجتماعی مزدک دو چیز است: یکی برابری و دیگری دادگری.

مردم بسیاری به سرعت پیرو مذهب مزدک شدند. جنبش مزدکی با قتل او و پیروانش به طرز وحشیانه ای سرکوب شد، اما افکار او اثر خود را حتی در قیامها و جنبشهای مردم ایران در دوران اسلام، باقی گذاشت. امپراتوری پهناور ساسانی که از رود سند تا دریای سرخ وسعت داشت، در اثر مشکلات خارجی و داخلی ضعیف شد. آخرین پادشاه این سلسله یزدگرد سوم بود. در دوره او عربها به ایران حمله کردند و ایرانیان را در جنگهای قادسیه، مدائن، جلولاء و نهاوند شکست دادند و بدین ترتیب دولت ساسانی از میان رفت. علاقه شاهان ساسانی به موسیقی، از روایات تاریخ نویسان و از روی نقوشی که بر روی ظرفهای سیمین کنده کاری شده و از موزایکهای پیدا شده در بیشاپور کازرون و گچ بریهای یافت شده در ری و نقوش برجسته، کاملا نمودار می باشد.

نقش یکی از موزایکهای نفیس پیدا شده در ویرانه های بیشاپور کازرون در سال ۱۳۱۹ یک زن نوازنده ای است که نشسته و چنگ در دست دارد.



موزاییک بانوی چنگ نواز که اکنون در موزه ی لوور نگهداری می شود.

در میان سینی‌های سیمین که از زمان ساسانیان یافته شده، در یک سینی پیکر پادشاهی دیده می‌شود که بر تختی نشسته و در برابر وی زن و چنگ زنی خنیاگری می‌کنند. سینی دیگری هم هست که زنی بر اژدهایی نشسته و نی می‌زند. در یک بشقاب بزرگ نقره، شاه بر تختی نشسته و چنگ زنی و نی نواز در برابر وی مشغول نواختن هستند. در نقوش برجسته طاق بستان کرمانشاه که منظره شکار گاهی جاری شده است، چند دختر چنگ‌نواز که در قایق نشسته و همراه شاه که بر روی مردابی به شکار می‌روند را نشان می‌دهد.



نگاره زنان نوازنده در طاق بزرگ بستان که در حال نواختن چنگ هستند.

اردشیر پاکان

اردشیر پاکان پایه‌گذار دودمان ساسانی، مهارت‌های گوناگون موسیقیدان‌ها را به خوبی می‌شناخت و در طی سلطنت کمتر از بیست ساله خود، ایران را به مدارج بالایی از نظم و اعتبار رساند. تعیین نظام طبقاتی مردم و موسیقی‌دان‌ها از ابتکارهای او است. در زمان او، خنیاگران و رامشگران که از دیرباز جزء طبقات متوسط و گاهی جزء طبقه پست جامعه بودند، به سطح درباریان ترقی داده شدند. او درباریان را به هفت طبقه تقسیم کرده بود و موسیقی‌دان‌ها پنجمین طبقه از آنها بودند.

انوشیروان

در زمان حکومت انوشیروان، بنیان‌ها و قوانین مدنی اجتماع از نو وضع شد و در مدت کوتاهی به تثبیت رسید. عصر او عصر رشد معرفت علمی و شعور هنری بود و حکیم بزرگمهر نیز زاده همین عصر است. روح آئینی موسیقی ایران تا حد زیادی در این عصر، پیرو تعلیمات مزدکیان بود. در این دوران موسیقی را به الحان و مقام‌های مشخصی تقسیم کرده بودند. و برای هر یک صفت و یژه‌ای قائل بودند. در آئین مزدک موسیقی اهمیت بسیاری داشت. در این آئین نیروی شادمانی که نماینده آن موسیقی است، به اندازه دیگر نیروها مهم بوده است. مزدک و مزدکیان به موسیقی ارج بسیار می‌نهادند. در آئین مزدک چهار نیروها معنوی شعور، عقل، حافظه و شادی پیش خداوند ایستاده اند و قوه شادی نماینده موسیقی و نزد خداوند ارجمند است. این چهار نیرو به دستیاری شش وزیر امور عالم را اداره می‌کنند. وزیران میان ۱۲ روح در حرکتند که یکی از آنها خواننده و سراینده ی موسیقی است. به دست آوردن این مقام در تشکیلات آسمانی آئین مزدک نشانه ی آن است که موسیقی در زندگی مردم آن روز جز احتیاجات روحی به شمار می‌رفته است.

انوشیروان گرچه نسبت به مزدکیان خشن و بی‌رحم بود، اما موسیقی را دوست داشت و با احیاء سلسله مراتب موسیقیدانان دوره اردشیر، مقام والای آنها را برگرداند. وی همچنین فرمان داد داستان‌های ملی کهن در عهد شاهان باستان را گردآوری کنند تا خنیاگران و رامشگران دربار از آنها استفاده کنند. درباره موسیقی

دوره انوشیروان، معتبرترین سند تاریخی، اشاره‌های فردوسی به زمان سلطنت او است که بیشتر به نام سازها اشاره دارد. در زمان انوشیروان تأثیر و نفوذ فرهنگ پارسیان به کشورهای مجاور فزونی گرفت.

بهرام گور

بهرام گور پانزدهمین پادشاه ساسانی پس از یادگیری علوم و فنون، موسیقی را نیز آموخت. وی به موسیقی علاقه بسیار داشت و خود چکام سرایی چیره دست بود، به داستان‌سازی (آهنگسازی)، نوازندگی (مطربی) و پایکوبی (رقص) لعبت‌بازی (نمایش) و دیگر هنرها توجه فراوان داشت. بهرام گور تعداد زیادی، به قولی ده هزار، از این هنرپیشه گان و موسیقی دانان را به نام لولی از هندوستان به ایران آورد و در نقاط مختلف کشور پراکنده ساخت. فردوسی روزگار بهرام پنجم را روزگار شادی می‌داند و در بیان رنجهای ایرانیان در عصر غلبه تازیان و دشمنی آنها با مظاهر ایرانی و نشاط مردم، به شادی روزگار بهرام پنجم حسرت می‌خورد:

چنان فاش گردد غم و رنج و شور
که شادی به هنگام بهرام گور

علاقه بهرام گور به ادبیات و موسیقی، سبب ترویج این دو رشته گردید و به سبب ارتباط ایران و هندوستان در زمان او، ایران از علوم و ادبیات و موسیقی هند نیز بهره‌مند شد. حمزه اصفهانی نوشته است: بهرام گور حکم فرمود که مردم ایران نیمی از روز کار کنند و نیم دیگر را به خوشی بگذرانند.

بهرام گور در جنگ و شادی، در رزم و بزم از موسیقی غافل نمی‌شد. در نقش‌های بجا مانده از دوره ساسانی، نشانه‌های وجود موسیقی و دختران خنیاگر در شکارها فراوان است. این رسم که در ایران و هند برقرار بود، تا سال‌ها بعد و قرن‌های متمادی ادامه داشت. در مراسم شکار، موسیقی فقط برای سرگرمی نبود بلکه جنبه‌های کاربردی داشت. حکم فردوسی در وصف روزگار بهرام اشاره‌های فراوانی به حضور درخشان موسیقی در جای جای زندگی عصر او دارد.

در عصر بهرام وجود دو نوع موسیقی هنری و غیرهنری در ایران وجود نوعی سلیقه و گزینش را تأیید می‌نماید.

خسرو پرویز

عصر طلایی موسیقی ساسانیان را دوره سلطنت خسرو پرویز (۵۹۰ - ۶۲۸ میلادی) باید دانست. موسیقی در زمان وی به نهایت درجه ترقی خود رسید و تشویق‌های خسرو پرویز از صاحبان ذوق و دادن جایزه زیاد، این صنعت در آن زمان رواج کامل یافت و موسیقیدان‌های مشهوری مانند نکبسا و باربد روی کار آمدند که در خنیاگری و رامشگری شهره آفاق شدند. با تشویق و حمایت دربار ساسانی از موسیقیدان‌ها، مردم نیز بتدریج علاقمند به موسیقی شدند، بطوریکه در این دوره موسیقیدانان از رفاه و احترام بسیاری برخوردار بودند. نام اولین موسیقیدان بزرگ ایرانی از قبیل باربد (فهلبد)، نکبسا، بامشاد، رامتین، آزادوار، بامشاد و سرکش نیز از همان زمان برای ما به یادگار مانده است. اینان درباره زیبایی طبیعت و آیین‌ها و عیدها به ویژه نوروز موسیقی ساختند. شاهنامه از خواندن دسته جمعی چنگ نوازان در بارگاه کیخسرو یاد کرده است.

سازهای رایج دوران ساسانیان

از سازهای رایج دوران ساسانی نای (غزک)، رباب، چنگ و بریط را می‌توان نام برد. آلات موسیقی دوره ساسانی وسیع‌تر از دوره‌های قبل است و در اسناد و مدارک مکتوب در کتاب پهلوی خسرو پسر قباد و آثار ادبی فراوان از سازها نام برده شده است: چنگ، بریط، نای، شیپور، سرنا، سنتور، نی، دهل، نقاره، تنبک، تنبور، تاس، کرناک، رباب، قاشقک، ارغنون، شیشک، شمشیر، گاودم، برغو، بوق، سپیدمهره، صور، نفیر، جَرس، چلب، دبدبه، تبیره، درای، زنگ، سنج، نقاره و

مسعودی در مروج الذهب نام سازهایی را که در ایران باستان به کار رفته است می‌شمرد و چنگ و نی و عود و بریط و سرنای را از ایرانیان میدانند و گوید که بنیاد پرده‌ها و آهنگ‌های موسیقی و هفت سرود خسروانی را ایرانیان نهاده‌اند. مسعودی در مروج الذهب می‌نویسد: مردم خراسان چنگ را به کار می‌بردند و مردم طبرستان و دیلمستان رباب را بیشتر می‌پسندیدند.

تحولات علمی و عملی شکوفائی موسیقی در دوران ساسانی در کتابی به نام «تراینک‌نامک» آمده است. در الفهرست از این اثر نام برده شد و مورخانی چون ابن خردادبه، مسعودی و جاحظ، آن را به باربد نسبت داده‌اند. کارهای اساسی موسیقیدانان دوره ساسانی (که عده‌ای به باربد نسبت می‌دهند) تنظیم و

سازماندهی سیستم موسیقایی یعنی هفت ساختار مقامی (دستگاه) معروف به خسروانی و سی مقام اشتقاقی (لحن) و سیصد و شصت ملودی (دستان) است. شمار آنها با تعداد روز در هفته، ماه و سال تقویم ساسانیان برابر بوده است. امروزه به درستی معلوم نیست که این مقام‌ها و آهنگ‌ها چه بوده‌اند؛ اما نام‌های بعضی از این آهنگ‌ها توسط تاریخنگاران ذکر شده: کین ایرج، کین سیاوش (شاید اشاره به حوادث تاریخی داشته‌اند) تخت اردشیر، تخت طاقدیس، باغ شیرین و باغ شهریار، سبز بهار، هفت گنج، نوروز بزرگ، راه گل، آرایش خورشید، پالیزبان، دل انگیزان و روشن چراغ. برخی از این قطعات هنوز هم نواخته می‌شود، اما درباره آن آهنگسازی‌ها اطلاعات درستی در اصول نظری آن دوران وجود ندارد.

آشنایی ما درباره موسیقی و رقص در دوره ساسانی بیشتر از هر دوره دیگر پیش از اسلام است. زیرا از نوشته‌های تاریخی و همچنین پیدایش اشیا ذیقیمت این دوره مانند جام‌های نقره‌ای و موزاییک‌های به دست آمده از نقاط مختلف به خصوص بیشاپور (شهر شاپور اول) که منقوش به رقص بانوان (جام نقره‌ای ساسانی) و بانوی چنگ‌نواز (موزاییک پیدا شده از بیشاپور) است توسط پروفیسور گیرشمن فرانسوی مابین سال‌های ۱۳۱۲ تا ۱۳۲۰ خورشیدی در بیشاپور کشف شد. همچنین موسیقی دانان و خوانندگان بزرگ مانند باربد، نکبسا، رامتین، بامشاد، سرکش اکثراً در دربار خسرو پرویز بودند ظهور کردند که پایه‌گذار موسیقی ایران پس از اسلام و حتی بعضی کشورهای اسلامی شدند.

به علاوه مسلم است که موسیقی‌دانان، خوانندگان و نوازندگان در دربار شاهان و شاهزادگان ساسانی منزلتی شایسته داشته‌اند. چنانکه در افتتاح سدی روی رودخانه ی دجله موسیقی دانان هم‌ردیف فرمانداران (ساتراپ) از جانب خسرو پرویز دعوت می شدند.

دستگاه‌های منسوب به باربد شامل هفت خسروانی، سی سحن و سیصد و شصت داستان بوده که با هفت روز هفته و سی روز ماه و سیصد و شصت روز سال مطابقت داشته است. در کتاب تاریخ منوچهری و دیگر نویسندگان ایرانی و عرب نام‌های بی شماری از آوازا و قطعات موسیقی است که تشخیص نوع و گام و کیفیت اجرای آنها میسر نیست. مثلاً یزدان آفرید شاید نام یک سروده مذهبی است.

بعضی داستان‌ها به وقایع تاریخی و آثار افتخارآمیز قدیم ایران منسوب است که ساسانیان از آغاز مایل به یادآوری آن بودند. مثلاً کین ایرج، کین سیاوش، تخت اردشیر و برخی قدرت خسرو پرویز را نمایان می‌سازد. باغ شیرین، باغ شهریار، تخت تاکدیس و بعضی دیگر ثروت او را به یاد می‌آوردند و در برخی جشن‌ها و عیدها در فصول مختلف به خصوص فرا رسیدن بهار و نوروز تشریح و توصیف می شدند. از آن جمله اند نوروز بزرگ، گلزار، سبز بهار، راه گل، آرایش خورشید و ماه، ابهر کوهان، نوشین لبان، روشن چراغ، پالیزبان، دلانگیزان که در آنها مناظر زیبای طبیعت و نشاط زندگی توصیف شده است.

برخی از این نام‌ها هنوز در بین گوشه‌های دستگاه‌های موسیقی کنونی ایران و ممالک اسلامی یافت می شود. مثلاً زیرافکند، نوروز، نهفت، خسروانی و غیره. راست یکی از آنهاست که امروز یکی از دستگاه‌های موسیقی ایران و عرب و ترک است.

بسیاری از شاعران به آهنگ «نوروز بزرگ» از جمله آهنگ‌های دوران ساسانیان، اشاره کرده اند:

نوروز بزرگم بزن ای مطرب امروز

زیرا که بود نوبت نوروز به نوروز

منوچهری

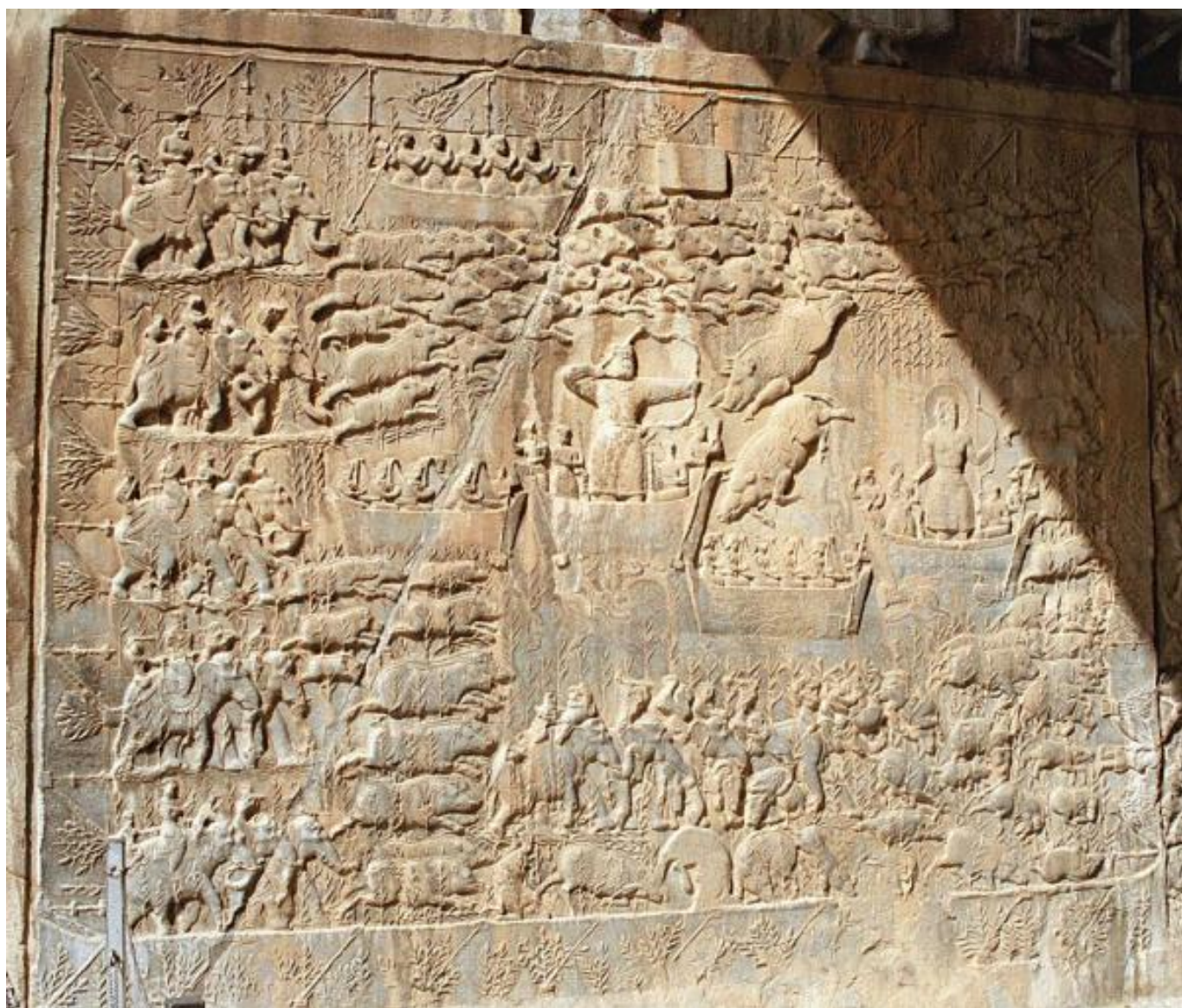
در کتاب‌های «خسرو کوبادان و غلام دانای او» و «شطرنج‌نامه (گزارش شطرنج و نهش نیو اردشیر)» مطالب ارزشمندی در باره آثار موسیقی دوران ساسانیان آمده است. در کتاب «خسرو کوبادان و غلام دانای او» گفتگویی بین خسرو و غلامش نقل شده است و در یکی از پاسخ‌ها غلام به خسرو می گوید: "خشنود و ارزنده‌ترین صدا، صدای ساز تازی است که به آواز انسان نزدیک است، کامل‌ترین آواز، آواز انسان است و خوشایندترین چامه و سرودها، سپاهینک، اصفهانی، نیشابوری و پهلوی است."

موسیقی دوره ساسانی را شاید بتوان سرمنشاء فرم‌ها و شکل‌های موسیقی ایران در قرون بعدی دانست. آداب موسیقی نواختن و موسیقی شنیدن نیز در این دوران وضع شد و با تغییر شکلی چند در سده‌های بعد از سقوط ساسانی بعنوان سنت ایرانی تداوم پیدا کرد.

از کتاب‌های تاریخ، سنگ‌نوشته‌ها، سنگ‌تراشی‌ها و شعرهای شاعران، چنین بر می آید، که

موسیقی در ایران بیشتر تکنوازی بود، ولی بعدها به صورت هم‌نوازی در آمد.

یکی از وسایل موسیقی که در آثار دوره ی ساسانی به چشم می خورد «چنگ» است. به عنوان نمونه در نقش برجسته ی شکارگاه گراز در تاق بستان که در نمای زیر دیده می شود.



دو قایق حامل دختران چنگ نوازان وجود دارد.
این دو بخش را می توان به تفکیک در دو شکل زیر دید:





در تاق بستان همچنین نقش دیگری از شکارگاه وجود دارد که در آن به شکار گوزن پرداخته می شود. این دیوار از تاق بستان را می توان در شکل زیر دید:



در اینجا نیز مانند شکارگاه گراز، گروهی از دختران نوازنده ی چنگ دیده می شنوند. این گروه چنگ نوازان با وضوح بیشتری در عکس زیر نشان داده شده است:



چنگ نوازی تنها اختصاص به آثار تاق بستان ندارد بلکه در [موزاسک های به جا مانده از کاخ بشاپور](#) در استان فارس نیز به چشم می خورد.

همچنین بر روی ظروف دوره ی ساسانی می توان نقش هایی از نوازندگان موسیقی یافت. مانند دو نوازنده ای که در روی بشقاب زیر دیده می شوند. این اثر اکنون در موزه ی بریتانیا قرار دارد.



دو بانوی نوازنده ی دیگر را نیز می توان بر نقشهای زیر دید.





نگاره ای که در این عکس نشان داده شده، از نگاره های مانوی به جای مانده از دوره ی ساسانی است. در این نگاره نیز شخصی به نواختن سازی شبیه آنچه در آثار بالا دیده می شود می پردازد.



هنر فلزکاری و نقش برجسته بر روی ظروف نقره ای از هنرهای شناخته شده ی دوره ی ساسانی است. بسیاری از این آثار شاهان ساسانی را در شکارگاه به تصویر کشیده اند. ولی علاوه بر نقش های مربوط به شکار، رقص و بزم نیز از جمله موضوعاتی است که بر روی این ظروف ماندگار شده اند. آثار زیر نمونه هایی از نقش برجسته های دختران رقصنده را نشان می دهد.



بزرگان به شادی بیاراستند / می و جام و رامشگران خواستند



نیبذ آر و رامشگران را بخوان / بیمای جام و بیارای خوان



که گفتی همی جان پرافشانند / ز هر جای رامشگران خوانند



ابا ژنده پیلان و رامشگران / زمین شد بهشت از کران تا کران



همه شهر ایران بیاراستند / می و رود و رامشگران خواستند



به هر جای جشنی بیاراستند / می و رود و رامشگران خواستند



۱. چنگ

”در صحنه شکار گراز دو نوع چنگ دیده می شود“ در یکی از آنها جعبه صوتی در بالا قرار دارد، در حالی که در دیگری در پائین است. نمونه اخیر یعنی آن که جعبه صوتی اش در پائین است، بسیار جالب توجه می باشد. زیرا اولاً قدیم تر از انواع دیگر چنگ است و نوع آن بسیار نادر می باشد. جعبه صوتی این چنگ را که به شکل افقی روی زمین قرار گرفته، از چوب می ساختند و میله چوبی که گوشه ها روی آن بوده از جنس سختی ساخته شده است. این نوع چنگ درست شبیه چنگ هائی است که سه هزار سال پیش از میلاد در دست سومری ها بوده است و گالپین در رساله خود به نام ”موسیقی سومری ها“ نمونه ای از این چنگ را به دست داده است. چنین استنباط می شود که این چنگ دارای ده سیم است، البته چنگ های آشوری و بابلی نیز ده سیم داشته است، در صحنه شکار گوزن نیز نوازنده اول گروه سازندگان، این نوع چنگ را می نوازند... اما چنگی که جعبه صوتی اش در بالا قرار دارد به اندازه چنگی که هم اکنون شرح آن داده شد، قدیمی نیست، با این وصف انواع مشابه آن را در بین سازهای معمول بین بابلی ها و آشوری ها و عیلامی ها و مصری ها می توان یافت. در نقش های برجسته طاق بستان دو نوع ممتاز از این شکل چنگ یافت می شود. در یکی از آنها میله چوبی عمود بر جعبه صوتی است و در دومی یک زاویه حاده با هم می سازند. اولی در صحنه شکار گراز است و بی شباهت به چنگ های مصری نیست. تعداد سیم های چنگ هائی که در این صحنه نقش شده از نه تا دوازده می باشد. یک انتهای سیم به میخ هائی که در پهلوی جعبه صوتی است، محکم و ثابت است و انتهای سیم به میخ هائی که در پهلوی جعبه صوتی است، محکم و ثابت است. چنگ با زاویه حاده که جعبه صوتی آن منحنی است، در صحنه شکار گوزن است. تعیین تعداد سیم های این ساز مشکل است ولی به احتمال نزدیک به یقین و به استناد اسناد موجود، معلوم می شود که پانزده سیم داشته است. این چنگ شباهت زیادی به چنگ های عیلامی دارد، با این تفاوت که چنگ های عیلامی سوراخ هائی هم برای اخراج صدا داشته است. این نوع چنگ در زبان پهلوی و زبان فارسی چنگ نامیده می شود و این کلمه به معنی خمیده و منحنی است.”

۲. سازهای بادی و ضربی

”در سمت راست مجلس نوازندگان موسیقی نظامی در صحنه شکار گوزن شش نوازنده در دو ردیف دیده می شود که سه نفر در بالا نشسته و سه نفر دیگر در پائین ایستاده اند. در ردیف بالا اولین نفر از سمت چپ سازی می نواز که به احتمال نزدیک به یقین همان کوس است که بزرگ ترین آلات ضربی بوده است. نفر سوم این ردیف نیز مثل آن که یک یا دو ضرب یا نقره کوچک در جلوی خویش دارد. با در نظر گرفتن وضع دست های نوازنده و شکل احتمالی آن یک یا دو چیزی که در مقابل اوست، تقریباً بر ما مسلم می شود که آلت یا آلات مزبور ضربی است. پروفیسور کریستن سن و دکتر ”اونوالا“ هر دو احتمال داده اند که این ساز همان است که در پهلوی تاس و در فارسی طاسه می گفتند و هنوز هم در هندوستان متداول است... در ردیف پائین از صحنه شکار گوزن نفر سوم از سمت چپ آلت ضربی مخصوصی می نواز که بسیار جالب است. شکل این ساز بر خلاف ضربی های دیگر استوانه ای است که در وسط باریک و دو طرف آن پهن می باشد. این ساز را به طور افقی طوری به کمر می بستند که نوازنده می توانسته است به راحتی به دو طرف آن یعنی با دست راست به یک سمت، و با دست چپ به سمت دیگر، بنوازد. به احتمال قوی این همان تپیر یا تبیره است که فردوسی و سایر شعرای متقدم فارسی آن را در آثار خود آورده اند.” آلات ضربی موجود در طاق بستان بیشتر در صحنه شکار گوزن و در مجلس نوازندگان موسیقی نظامی است. در این دسته نوازندگان، شخص اول از دست چپ نای یا سورنای می نواز و شخص دوم آلت چهارگوشی در دست دارد که به احتمال زیاد نوعی از دف می باشد. شکل دست های نوازنده این ساز طوری است که بیشتر از هر چیز مؤید این فکر می باشد. این نوع دف یعنی دف چهارگوش امروزه هم در نواحی مصر و شامات رایج می باشد... همین نویسنده در مقاله دیگری این طور می نویسد: ”در دوره سامانی انواع نای و چنگ مورد توجه و علاقه بوده و نمونه هائی از آنها را در هیئت ارکستر صحنه شکار گوزن در طاق بستان ملاحظه می توان کرد. اگر هیئت نوازندگان مزبور را از سمت چپ به دقت بنگریم، می بینیم که نفر اول سازی می نواز که مسلماً شبیه به سورنا است، اما نفر سوم و چهارم از نوازندگان صحنه شکار گوزن ارغنون دهنی می نوازند. بعضی از مفسران و مورخان ساز این دو نفر را نی انبان تصور کرده اند، ولی اکنون محقق شده که ارغنون دهنی است نه نی انبان و بعضی هم احتمال داده اند که ساز موسوم به چنگ (با چ مکسور) یا شنگ چینی - که در پهلوی آن را مستک می نامیدند - باشد. در هیئت نوازندگان موسیقی نظامی که در سمت راست صحنه شکار گوزن است شش نوازنده دیده می شود که در دو ردیف قرار گرفته اند. سه نفر نشسته و سه نفر ایستاده. نفر دوم آن سه نفر که نشسته اند سازی را که مسلماً نوعی از شپیور است، می نواز و بعید نیست همان روئین نای - که مکرر در شاهنامه به آن برخورد می شود - باشد. در ردیف ایستادگان نیز

نفر اول و دوم از سمت چپ سازی شبیه به روئین نای می نوازند. چنان که ملاحظه می شود نای و سازهای بادی مشابه آن در عهد ساسانی کمال اهمیت و رونق را داشته و در موارد مختلف از آنها استفاده می شده است. راجع به وجه تسمیه سورنای چنین گفته اند که چون صدای بلند و رسائی داشته برای جشن و شادی در هوای آزاد مناسب بوده از این رو نام آن مرکب از کلمه سور - که به معنی جشن و شادی است - و نای می باشد و چنان که در نقش های طاق بستان هم ملاحظه می شود، این ساز در ارکستر صحنه شکار گوزن دیده می شود.

پولس ایرانی

پولس ایرانی معلم منطق و فلسفه انوشیروان پادشاه ساسانی بود.

آرزو

زرگزادهای چنگ نواز بود که به گفته فردوسی با چنگ نوازی دل بهرام را ربود و بهرام او را به حرمسرای خود افزود.

آزادوار چنگی

آزادوار از زنان موسیقیدان و چنگ نواز دربار ساسانیان بود. فردوسی از او در شاهنامه یاد می کند.

آزاده

آزاده از زنان موسیقیدان و چنگ نواز دربار بهرام گور بود. فردوسی از او در شاهنامه یاد می کند. آزاده بخاطر بی باکی و جسارت خود مورد خشم بهرام قرار گرفت و او را با به زیر پای شترها انداختن، کشتند.

باربد

باربد را مؤسس و سازنده سی لحن معروف به الحان باربدی دانسته اند. حتی نقل کرده اند که باربد برای هر روز سال آهنگی خاص ساخته بود و تعداد این نغمه ها به بیش از ۳۶۰ عدد بالغ می شد.

باربد موسیقیدان معروف دوران خسرو پرویز بود. تاریخ نگاران ایران از او با نام باربد، عرب ها با نام بهلبد و فهلبد یاد می کنند. باربد، شاید بزرگترین آهنگساز زمان خود بوده، نه تنها به سبب توانایی در خلق آهنگ های گوناگون و مهارت در نوازندگی، بلکه به سبب تنوع احساساتی که قطعاتش در شنونده ایجاد می کند.

در این مورد حکایتی درباره قطعه ای از او به نام شبذیز نقل شده است که به وسیله شاعر عرب خالد فیاض و دیگران به شعر درآمده است. معروف است که خسرو پرویز بین اسب های خود اسب باهوشی به نام شبذیز (رنگ شب) را بیش از همه دوست می داشت و چنان به این اسب علاقه داشت که سپرده بود که هر کس خبر مرگ شبذیز را بر زبان راند مجازاتش اعدام باشد.

شبذیز مُرد و کسی را جرأت نبود که شاه را از واقعه آگاه سازد. رییس دواب (چهارپا) ناچار از باربد خواست که به وسیله آهنگی این خبر شوم را به شاه بفهماند. گویند باربد آهنگی ساخت و خسرو از شنیدن آن مرگ شبذیز را دریافت. فریاد برآورد شبذیز مرد. باربد پاسخ داد آری شاهنشاه و بدینگونه با آهنگ موسیقی خبر آن را به شاه دادند و بدین وسیله شاه را از عهد خود بازگردانید. این قطعه امروز در دستگاه ماهور نواخته می شود. امیر خسرو دهلوی از آهنگ «شبذیز» چنین یاد می کند:

نوا چون گفته شد بگشاد جوجو
ز راه خسروانی عشق خسرو

امیر خسرو دهلوی

بلبل باغی به باغ، دوش نوایی بزد
خوبتر از باربد، خوبتر از بامشاد

منوچهری

در آمد باربد چون بلبل مست
گرفته بربطی چون آب در دست

نظامی

نکیسا

نکیسا در چنگ نوازی مشهور بود. او آهنگی به نام «جامه دران» داشت که می گویند در مجلسی چنان نواخت که حاضران همه جامه بر تن دریدند:

مطرب به نوایی ره ما بی خبران زن
تا جامه درانیم ره جامه دران را

وحشی بافقی

بنا بر نوشته ی مورخین گام‌های موسیقی قدیم ایرانی در حقیقت پیش از بارید نیز وجود داشته است. در هر حال باید آنها را ریشه و بنیان موسیقی ایران و عرب بعد از اسلام و ممالک اسلامی دانست.

بامشاد

بامشاد نوازنده و موسیقی‌دان دوره خسروپرویز دوم ساسانی است. بامشاد را چون بارید کم مانند دانسته‌اند. بامشاد از آن گویند که بامداد چنان می‌نواخت و می‌خواند که همه کس را شاد می‌کرد. منوچهری در حکامه‌ای از او چنین یاد می‌کند:

بلبل باغی به باغ، دوش نوایی بزد
خوبتر از بارید، نیک‌تر از بامشاد

رامتین

رامتین موسیقیدان دوران ساسانیان که از او به عنوان واضع چنگ و استاد در نواختن این ساز یاد می‌کنند. هم دوران دیگر موسیقیدانان بزرگ چون بارید و نکبسا بود. فخرالدین اسعد گرگانی، از رامتین اینگونه یاد می‌کند:

شهی خوش زندگی بودست و خوش نام
که خود در لفظ ایشان خوش بود رام
نه چون او بود به شاه‌ی سرفرازی
نه چون او بود به رامش رودسازی
نگر تا چنگ چون نیکو نهادست
نکوتر زان نهادی که گشادست؟
نشان است او که چنگ بافرین کرد
که او را نام، چنگ رامتین کرد
چو رامین هر گهی بنواختی چنگ
ز خوشی بر سر آب آمدی سنگ

منوچهری:

حاسدم خواهد که شعر او بود تنها و بس
باز نشناسد کسی بربط به چنگ رامتین

عبدالواسع جَبَلی:

بر فلک برداشته خورشید جام و آنگهی
بر سما بنواخته ناهید چنگ رامتین

فرخی سیستانی:

خوشت‌ر آید روز جنگ آواز کوس او را به گوش
زان که مستان را سحرکه بانگ چنگ رامتین

سرکش

سرکش یکی از پرآوازه‌ترین نوازندگان دربار خسرو پرویز ساسانی بود. فردوسی توسی:

از آن زخمه سرکش چو بیهوش گشت
بدانست کان کیست خاموش گشت
یکی مطربی بود سرکش به نام
به رامشگری در شده شادکام
ز رامشگران سرکش و بارید
که هرگز نگشتیش بازار بد

منوچهری دامغانی:

یکی نی بر سر کسری، دوم نی بر سر شیشم
سه دیگر پرده سرکش، چهارم پرده لیلی

فصل پیشین: موسیقی در اسطوره‌های ایران

فصل آینده: موسیقی دوران اشغال تازیان

گزیده فشرده شده از کتاب: موسیقی: بخش جدایی ناپذیر انسانیت و ایرانیت، احد قربانی دهناری

۹ مهر ماه ۱۳۹۵
احد قربانی دهناری
گوتنبرگ، سوئد

ahad.ghorbani@gmail.com

<http://ahad-ghorbani.com>

<http://www.facebook.com/ahad.ghorbani.dehari>

<http://telegram.me/ahaddehnari>